

بازشناسی شهر ساسانی - اسلامی سیروان بر پایه متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی

فرشاد کرم‌زاده¹، یونس یوسف‌وند²
(دریافت: 99/07/02، پذیرش: 1400/02/06)

چکیده

براساس متون تاریخی و جغرافیایی، سابقه سیروان/ شیروان، یکی از شهرهای مهم منطقه جبال، به دوره حکومت ساسانی باز می‌گردد. این شهر در قرون نخستین اسلامی رونق بسیار داشت و متون تاریخی از آنجا به‌عنوان کرسی ولایت ماسبدان و یکی از شهرهای مهم ایالت جبال نام برده‌اند، اما پس از دوره ای حیات پررونق، از میانه سده چهارم ق از رونق آن کاسته شد. علی‌رغم اهمیت شهر سیروان، تاکنون پژوهشی برای شناخت موقعیت مکانی، عوامل رشد و گسترش این شهر و سپس افول آن صورت نگرفته است. در پژوهش پیش‌رو، با مطالعه متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، ضمن بازشناسی شهر سیروان، عوامل تأثیرگذار در مکان‌گزینی، رشد و گسترش و همچنین انقراض آن بررسی خواهد شد. رویکرد تحقیق، تاریخی است و یافته‌ها با مطالعات اسنادی و مشاهدات میدانی جمع‌آوری شده است. بنابر نتایج، موقعیت مکانی شهر ساسانی - اسلامی سیروان با محوطه باستانی واقع در روستای کنونی سرابکلان شهرستان سیروان استان ایلام منطبق است. در کنار عوامل طبیعی (همچون زلزله) و کاهش اهمیت سیاسی منطقه، راه‌های ارتباطی نیز در پی انقراض حکومت آل‌حسنویه از سده چهارم ق به بعد از رونق افتاد و در مجموع، این عوامل بیشترین نقش را در انقراض شهر سیروان داشت.

واژگان کلیدی: مکان‌یابی، جغرافیای تاریخی، شواهد باستان‌شناسی، ماسبدان،

سیروان، سراب‌کلان

1. دانش‌آموخته دوره دکتری تاریخ علم دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، karamzade.farshad@yahoo.com

2. دانش‌آموخته دوره دکتری باستان‌شناسی دوره اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس تهران،

yyvand@gmail.com

مقدمه

یکی از مناطقی که در مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی در تاریخ ایران در سده‌های میانه اهمیت داشت، منطقه جبال بود: ماد، پَهله، مای، ماه، جبل، کوهستان، قهستان. به سبب برخورداری‌های زیست‌محیطی و موقعیت راهبردی، این منطقه در ادوار تاریخی، توجه حکومت‌های مختلف را بر می‌انگیخت. براساس متون کهن، این منطقه، شهرهای مهمی چون ری، اصفهان، همدان، دینور، نهاوند، قزوین، مهرجانقدق و ماسبدان را دربر می‌گرفت. ماسبدان به سبب موقعیت خاص جغرافیایی، اهمیت خاص داشت. این ایالت شامل شهرها و مناطقی همچون سیروان، آذیوجان، قلعه ماهکی، قلعه خولنجان، الرذ و براو است و کرسی و حاکم‌نشین آن، شهر سیروان بود. این شهر بر سر راه‌های خوزستان و عراق به غرب و مرکز ایران واقع بود. به‌رغم اهمیت شهر سیروان، تاکنون پژوهشی درباره آن صورت نگرفته و در باب چگونگی تشکیل این شهر، ویژگی‌های کالبدی و خصوصیات فضایی آن اطلاعات بسیار اندکی در دسترس است. هدف پژوهش پیش‌رو، بازشناسی شهر سیروان با توجه به گزارش‌ها و اشارات متون تاریخی و شواهد باستان‌شناختی است، تا با تکیه بر این اطلاعات، فضای ابهام پیرامون این شهر مهم ساسانی - اسلامی تا حد ممکن کنار رود. در گذشته، مطالعاتی چند در خصوص این شهر انجام گرفته، اما به سبب تمرکز در آنها بر متون تاریخی و بی‌اطلاعی از شواهد و یافته‌های باستان‌شناسی، ابهامات مربوط به این شهر هنوز بدون پاسخ مانده است؛ پرسش‌هایی هم‌چون: ۱. موقعیت مکانی شهر سیروان / شیروان در جغرافیایی امروزی منطقه غرب ایران براساس متون جغرافیایی و شواهد باستان‌شناسی با کدام محوطه باستانی منطبق است؟ ۲. با توجه به منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناسی چه عواملی در شکل‌گیری، رونق و شکوفایی و سپس انقراض شهر سیروان تأثیر داشته است؟ اینها مسائلی است که در این مقاله بررسی خواهد شد.

رویکرد تحقیق، تاریخی است و یافته‌های آن با توجه به ماهیت موضوع، براساس دو گونه اطلاعات استوار است: نخست، منابع جغرافیایی و جغرافیای تاریخی از قرون متقدم تا حدود قرن ششم ق و بخش کتابخانه‌ای آن بر این منابع معتبر تکیه دارد و گروه دوم، مطالعات میدانی و باستان‌شناسی که نتیجه دیدارهای میدانی نگارندگان این سطور است. بنابراین، پژوهش حاضر ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی است. پژوهش‌های انجام گرفته درباره شهر سیروان / شیروان را می‌توان در دو بخش مطالعات باستان‌شناسی و تحقیقات تاریخی و جغرافیای تاریخی تقسیم‌بندی کرد. در

بخش نخست می‌توان از کوشش‌های ۳ تن نام برد: راولینسون^۱ نخستین پژوهشگری است که به معرفی سیروان پرداخت. وی در ۱۸۳۹ م. هنگام سفر از ذهاب به خوزستان، از خرابه‌های روستای سرباکلان در شهرستان شیروان استان ایلام نیز دیدار کرد و این محوطه را به دوره ساسانی مربوط دانست (راولینسون، ۹-۱۰)، اما دلایل کافی و مستند برای اثبات فرضیه خود به دست نداد؛ گرچه نظر او، شالوده تحقیقات بعدی در این زمینه شد. پس از او، دمورگان^۲ ضمن تهیه نقشه شهر، به موضوع تأسیس و قدمت آنجا پرداخت (دمورگان، ۳۲۶). آنگاه استین^۳، ضمن ارائه تصاویری از خرابه‌های واقع در روستای سرباکلان، آنجا را بقایای شهر سیروان دانست و مانند راولینسون و شاید به تبع از او، بنای آن را به دوره ساسانی نسبت داد (استین، ۲۲۳-۲۳۲).

بخش دوم، شامل تحقیقات تاریخی و جغرافیای تاریخی به کوشش پژوهشگران ایرانی است: حسین قره‌چانلو در مقاله «استان کنونی ایلام و عیلام؛ پژوهشی در جغرافیای تاریخی ماسبدان و مهرجانقدق» به وضعیت این دو ایالت در متون تاریخی و جغرافیای تاریخی پرداخت (قره‌چانلو، ۳۱-۵۲). علی بیگی نیز در مقاله «جغرافیای تاریخی ولایات ماسبدان و مهرجانقدق و حاکم‌نشین آنها» به موضوع فتوحات و جغرافیای سیاسی این دو ولایت توجه کرده و مطالب خود را براساس شواهد تاریخی پیش برده است (علی بیگی، ۱۲۳-۱۴۲). البته چنین به نظر می‌رسد که این مقاله تحت تأثیر پژوهش قره‌چانلو قرار دارد و به هر حال، در هر دو پژوهش، به شواهد باستان‌شناسی توجه نشده است. مقاله

۱. (Rawlinson) هنری راولینسون یکی از افسران کمپانی هند شرقی بریتانیا، در سال ۱۸۳۳ م/ ۱۲۱۲ ش و در اواخر حکومت فتحعلی‌شاه قاجار (حک: ۱۱۷۶-۱۲۱۳ ش) برای مقابله با نفوذ روسیه، با افسران انگلیسی به ایران اعزام شد. او در سال‌های حضور در ایران، به ویژه در باب خط میخی به طور گسترده پژوهش کرد و در سال ۱۸۵۹ م به مدت یک سال به عنوان وزیر مختار بریتانیا در ایران نیز برگزیده شد.

۲. (De Morgan) ژاک دمورگان، از باستان‌شناسان معروف فرانسوی، ۱۵ سال (۱۲۷۶-۱۲۹۱ ش) هدایت تیم باستان‌شناسی فرانسه را در ایران بر عهده داشت. عمده کاوش‌های این گروه در شهر شوش در استان خوزستان انجام گرفت. پژوهش‌های وی در شناسایی بیشتر این مناطق حائز کمال اهمیت است.

۳. (Stien) اورل استین باستان‌شناس اهل مجارستان و تبعه انگلیس، که کاوش‌ها و پژوهش‌های وی با هزینه‌های دولت انگلستان در ایران و برخی نقاط دیگر جهان، اهمیت و جایگاه خاص دارد. کاوش‌های وی در ایران در حدود سال ۱۳۱۵ ش در شهر سوخته و تپه حسنلو در آذربایجان غربی صورت گرفت.

«بررسی و تحلیل جایگاه ایالات ماسبذان و مهرجانقذق (ایلام) در دوره خلافت عباسی» نوشته اکبری نیز، مؤلف بر تحولات تاریخی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی این دو ایالت در چهار قرن نخست ق تمرکز کرده است (اکبری، ۵۵-۷۴). در پژوهشی جدیدتر، رحمتی به سرگذشت این ایالت در دوره سلجوقیان (حک. ۴۳۱-۵۹۰ق) پرداخته و نقاط مهم جغرافیایی و قلعه‌ها و دژهای مهم آن و نقش این مکان‌ها را در تحولات تاریخی این دوره تبیین و مناطق ناشناخته‌ای از این ایالت را معرفی کرده است (رحمتی، ۷-۲۴). پژوهش مظاهری و همکاران «زوال ولایت مهرجانقذق براساس متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی» با پژوهش‌های پیشین تفاوت دارد و در آن موضوع زوال ولایت مهرجانقذق و عوامل مرتبط با آن مهم است، با این همه، اشاره مؤلفان به ماسبذان کوتاه و گذراست (مظاهری و همکاران، ۸۵-۱۰۲).

در هیچ‌یک از تحقیقات مذکور، بر شهر سیروان تمرکز نشده است و پژوهشگران بیشتر به همه شهرهای ایالت ماسبذان پرداخته و به صورت گذرا به سیروان نیز اشاره کرده‌اند. بنابراین، نظر به اهمیت این شهر در اواخر دوره ساسانی و سده‌های آغاز دوره اسلامی، در پژوهش حاضر ضمن مکان‌یابی شهر سیروان، حیات اجتماعی این شهر از زمان شکل‌گیری تا دوره انقراض در سده چهارم ق، با توجه به متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی بررسی خواهد شد.

نگاهی به ماسبذان در متون تاریخی

سیروان یکی از شهرهای مهم ایالت ماسبذان بود و به همین سبب، توضیح درباره ماسبذان ضروری به نظر می‌رسد. سابقه ماسبذان (ماسپتان، ماسبذان، ماه سبوزان)^۱، از ولایت‌های مهم منطقه جبال در قرون نخستین اسلامی، به دوره تاریخ ایران باستان باز می‌گردد، گرچه منابع و مأخذ در این باب بسیار اندک است. استرابون^۲ (د. ۲۱ م) موقعیت آن‌جا را در مرز بین شوش و ماد ذکر می‌کند (استرابون، ۵۱، ۳۴۲) و آن را ماسباتیکا^۳ می‌نامد.^۴ با توجه به این منبع، می‌توان گفت که ماسبذان به‌عنوان بخشی از ماد آتروپاتین

۱. در باب وجه تسمیه این ایالت در ایران باستان و قرون متقدم هجری نک: رحمتی، «جغرافیای تاریخی ماسبذان در دوره سلجوقی»، فرهنگ ایلام، دوره ۱۷، ش ۵۲ و ۵۳، صص ۹-۱۰، ۱۳۹۵ ش.

2. Strabo

3. Massabatica

۴. این کتاب جغرافیای تاریخی براساس کتاب شهرستان‌های ایران‌شهر و با توجه به کتاب جغرافیای

(ماد کوچک) تا قبل از حکومت ساسانیان شناخته می‌شده است. براساس منابع تاریخی به جا مانده از دوره ساسانی، هم چون رساله جغرافیایی «شهرستان‌های ایران‌شهر» و هم چنین کتاب ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خُورنی^۱ (د. ۴۹۰م)، ایران در تقسیم‌بندی دوره خسرو دوم (حک. ۵۹۰-۶۲۸م)، مشتمل بر چهار قسمت بود^۲ و در رأس هر یک از این بخش‌ها «سپاه‌بد» حکم می‌راند (کولسینیکف^۳، ۱۶۷ و ۱۷؛ پیگلوسکایا^۴، ۴۰). براساس این تقسیم‌بندی، بخش غربی ایران که به‌عنوان «کُوست خُوربران» از آن نام برده شده، ۹ استان داشت، از جمله ماسبذان (مارکوارت^۵، ۴۴؛ نیز نک: یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱/۱-۲۰۳-۲۰۴). در بین محققان جدید، راولینسون، بنابر سندی پهلوی، بر این نظر بود که این ایالت در دوره اردشیر بابکان (حک. ۲۲۴-۲۴۱م)، ماسبذان نامیده می‌شده است (راولینسون، ۴۵)

با توجه به منابع مذکور، ماسبذان در دوره قبل از اسلام، ناحیه‌ای از جلگه ایوان در امتداد کوه‌های زاگرس را تا حدود سوزیانا (شوش) در بر می‌گرفت. جاده‌ای ارتباطی نیز از این منطقه می‌گذشت که یکی از راه‌های ارتباطی در قسمت شرقی و مرکزی ایران بود و دیودوروس سیسیلی^۶ نیز به آن اشاره کرده است (همان، ۴۶) شواهد باستان‌شناختی، هم‌چون پل‌های تاریخی و جاده‌های سنگ‌فرش در حد فاصل سیروان تا سیمره، وجود این راه ارتباطی را اثبات می‌کند (یوسف‌وند، ۱۳۹۸). بیشتر آثار شناسایی شده در این مسیر، به نیمه دوم دوره ساسانی تا سده‌های نخست پس از اسلام مربوط است. در پی فروپاشی ساسانیان، ماسبذان نیز به تصرف سپاه اعراب درآمد^۷ و آخرین حاکم ساسانی

بطلمیوس (د. ۱۶۸م) و به زبان ارمنی تألیف شده است.

1. Movses Xorenac'i

۲. شامل خراسان (کستک خراسان)، آذربایگان (کستک کاپکوه، کورال‌جبال)، نیمروز (کستک نیمروز) و خورباران (کستک خورباران، کورالعراق).

3. Kolesnikov

4. Pigulevskaya

5. Markwart

6. Diodorus Siculus

۷. سال فتح ماسبذان در منابع تاریخی با هم متفاوت است؛ در روایت تاریخ طبری (۲۴۷۸-۲۴۷۷) و

در پی آن، الکامل ابن‌اثیر (۵۲۵/۲) در سال ۱۶ ق و بلاذری در فتوح البلدان (۳۷۵/۲) مربوط به سال ۲۱ ق آمده است. در باب فاتح آنجا نیز اتفاق نظر نیست: به نوشته ابن‌اثیر، فاتح آن سعد بن ابی وقاص بود و به روایت بلاذری، ابوموسی اشعری آنجا را فتح کرد. به روایت طبری، این نبرد در ماسبذان و در محلی به نام هَندَف رخ داد (همانجا).

ماسبذان، آذین بن هرمزان به دست فاتحان عرب کشته شد.^۱ در نخستین سده‌های پس از اسلام، ماسبذان و دیگر سرزمین‌های ایران، تحت نظر و حاکمیت والیان کوفه و بصره اداره می‌شد و آنها به سبب رونق و شکوفایی اقتصادی شهرهای آن، هر ساله مقدار قابل توجهی مالیات از آنجا دریافت می‌داشتند (استخری، ۱۶۴؛ جیهانی، ۱۰۳؛ ابن خردادبه، ۳۳؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱/۴۴؛ ابن حوقل، ج ۱/۵۲). در دوره خلافت عباسی (حک. ۱۳۲-۶۵۶ق)، ماسبذان به‌عنوان یکی از ایالت‌های جبال^۲ به سبب شرایط جغرافیایی مناسب و موقعیت راهبردی آن بر سر راه بغداد به غرب و مرکز ایران، همواره مورد توجه خلفا بود (یعقوبی، البلدان، ۳۱۹؛ ابن خردادبه، ۲۴۳-۲۴۴؛ ابن فقیه، ۲۰۹-۲۱۲؛ استخری، ۱۹۷-۱۹۸؛ مسعودی، مروج الذهب...؛ ۲۵۷/۱؛ همو، التنبيه و الاشراف، ۴۴؛ حدودالعالم...، ۱۴۱؛ مقدسی، أحسن التقاسیم...، ۳۸۴؛ حموی، المشترك وضعاً...، ۳۶۴؛ همو، معجم البلدان، ج ۳/۲۱۴-۲۱۵). بنابر روایت برخی متون کهن، المهدی خلیفه عباسی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ق) در یکی از شکارگاه‌های ماسبذان درگذشت (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۱۲/۳؛ مسعودی، التنبيه...، ۲۹۶؛ حموی، معجم البلدان، ۳/۳۹۳؛ ابن اثیر، ج ۱/۶ و ۸۷؛ قزوینی، ۳۱۴) و مزار وی در شهر الرّد از شهرهای مهم این ناحیه شناخته شده است.^۳

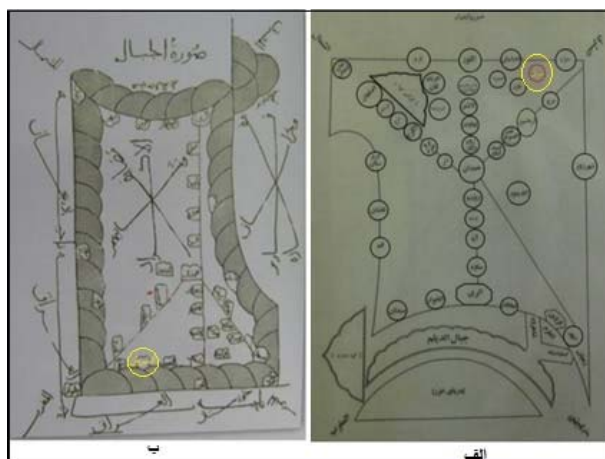
۱. یاقوت حموی در بخش‌هایی از کتاب معجم البلدان (ج ۴/۲۱۴ و ۳۹۳)، چند بیت شعر در ربط با این حادثه تاریخی آورده است:

و یومَ حَبَسْنَا قَوْمَ أَذِينِ جَنْدَهٍ وَ قُطِرَتْهُ عِنْدَ اخْتِلَافِ الْعَوَامِلِ
وُزِدَ وَ أَذِيناً وَ فِهْدَأً وَ جَمْعَهُمْ غَدَاةَ الْوَعَا بِالْمُرْهَفَاتِ الصَّوَاقِلِ
فَجَاءُوا الْبِنَا بَعْدَ غَيْبِ لِقَاءِنَا بِمَاسْبِذَانَ بَعْدَ تِلْكَ الزَّلَازِلِ
فَصَارَتْ الْبِنَا السَّبِيْرُونَ وَ أَهْلُهَا وَ مَاسْبِذَانُ كَلَّهَا يَوْمَ ذِي الْمَرْدِ

۲. منطقه جبال در برخی منابع دوره اسلامی به نام پَهله هم نامیده می‌شود (مقدسی، أحسن التقاسیم...، ۳۸۴). این منطقه، نواحی و ایالات ماسبذان، همدان، مهرجانقذق، ماه بصره (نِهاوند)، ماه کوفه (دینور و فرماسین)، ری و اسپهان و در برخی موارد آذربایجان را نیز در بر می‌گرفته است.

۳. این ناحیه براساس برخی پژوهش‌ها (نک: اکبری، ۵۸) در محل کنونی پارک کودک شهر ایلام و در سه راهی جنوبی آن ذکر شده و این مزار نیز تا حدود سال ۱۳۵۲ش بر جا بوده است. برای آگاهی از مقبره مهدی عباسی و دلایل تخریب آن، رک: مرادی مقدم، مراد و کشتمند، «سرگذشت مقبره مهدی بالله در شهر ایلام»، نامه تاریخ پژوهان، سال هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۹۰ش، صص ۱۶۶-۱۸۳. نیز در این زمینه رک: نعمتی، نورالدین، «معرفی مقبره مهدی»، فرهنگ ایلام، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۰ش.

با تشکیل حکومت آل حسنویه (حک: ۳۳۹-۴۰۵ق) از میانه سده ۴ق، ماسبدان نیز جزء قلمرو آنها قرار گرفت. در زمان اوج قدرت این سلسله، غرب ایران از مناطق میانی و جنوبی تا خوزستان جزو قلمرو آنها محسوب می‌شد و سرزمین‌های تحت قلمرو آنها منطقه‌ای حائل بین خلافت عباسی و آل بویه (حک. ۳۲۰-۴۴۷ق) بود: ماسبدان، دینور، آدیوجان، خوزستان، بروجرد، اسدآباد، نهاوند، شاپورخواست (خرم‌آباد)، همدان، دژ سِرمَاج (واقع در شهرستان هرسین استان کرمانشاه) و سیروان (نک: مجمل التواریخ و القصص، ۳۹۳-۴۰۱؛ ابن مسکویه، ۴۱۲-۴۱۶؛ بدلیسی، ۳۹-۴۱). آل حسنویه با توجه به این موقعیت جغرافیایی ویژه و شرایط سیاسی زمانه، موجب رونق و شکوفایی بیشتر منطقه شدند. در این زمان، شهر سیروان یکی از شهرهای مهم قلمرو آل حسنویه، کرسی حکومت بود و در آن سکه ضرب می‌شد (تصویر ۲).^۱ در نقشه‌های جغرافی‌نگاران این دوره، موقعیت سیروان در بین دیگر شهرهای ایالت جبال و در نزدیک شهر سیمره نشان داده شده است (نک: تصویر ۱).



تصویر ۱. الف: موقعیت شهر سیروان بر روی نقشه استخری از قرن چهارم ق (استخری، ۲۱۸)؛ ب: موقعیت جبال بر روی نقشه ابن حوقل از قرن چهارم ق (ابن حوقل، ج ۲، ۱۶۳).

۱. نوشته روی این سکه را عبدالله قوچانی خوانده است. در پشت سکه عبارت: بسم الله ضرب هذا الدرهم بالسیروان آمده است. قوچانی با توجه به این که بر روی سکه علاوه بر نام بدر بن حسنویه نام شمس‌الدوله ابوطاهر بویه‌ی نیز ذکر شده است تاریخ ضرب آن را سال ۴۰۰ هجری پیشنهاد کرده است (نک: قوچانی، ۶۰).



تصویر ۲. سکه نقره ضرب شهر سیروان (آرشیو سکه موزه رضا عباسی)

شهر سیروان در منابع تاریخی

ایالت ماسبذان دو بخش جلگه و کوهستان داشت: بخش نخست شامل مناطق غربی و بخش دوم شامل مناطق شرقی آن در کنار رودخانه سیمره بود. براساس متون تاریخی، دو منطقه ذکر شده ماسبذان، شامل شهرهایی چون سیروان، آذیوجان، قلعه ماهکی، قلعه خولنجان، قریه الرذ و قلعه بهار (وهار)^۱ بود و سیروان مهم‌ترین آنها محسوب می‌شده و در بخش کوهستان واقع بوده^۲ و آن را کرسی منطقه نیز می‌شمرده‌اند (نک: یعقوبی، البلدان، ۳۱۹؛ حموی، معجم البلدان، ج ۳/۲۱۴-۲۱۵؛ ابوالفداء، ۴۱۴؛ بلاذری، ج ۲/۳۷۷-۳۷۸). در مقابل این نظر درست، برخی از متون تاریخی به اشتباه ماسبذان را شهری در نزدیکی سیروان تصور کرده (مقدسی، أحسن التقاسیم، ۳۹۴؛ قزوینی، ۲۶۰؛ ابوالفداء، ۴۱۴) و حتی شهر سیمره را با ماسبذان یکی دانسته‌اند (مقدسی، همانجا). نویسندگان متون مذکور این منطقه را از نزدیک ندیده بودند و همین مسأله موجب بروز چنین اشتباهاتی بوده است. البته تأثیر تحولات این منطقه را در طی قرون مختلف نباید از یاد برد. ممکن است به دنبال تحولات سیاسی، نحوه اداره هر یک از این مناطق نیز دچار تغییراتی شده باشد. حتی در برخی از پژوهش‌های معاصر (قره‌چانلو، ۳۱-۵۲) و تحت تأثیر منابع مذکور، تمایزی بین این دو دیده نمی‌شود.

۱. برخی از محققان (نک: رحمتی، ۱۸-۲۲) این قلعه را نیز به‌عنوان بخشی از منطقه ماسبذان معرفی کرده‌اند. تا قبل از پژوهش مذکور، این قلعه پایتخت امیر شهاب‌الدین سلیمان شاه ایوه (د. ۶۵۶ق) از مخالفان سرسخت مغولان و به‌عنوان بخشی از ولایت کردستان شناخته می‌شد، اما اشارات متون تاریخی (نک. همانجا) حاکی از تعلق این منطقه به ماسبذان است.

۲. ابن خردادبه تنها از دو شهر سیروان و اریوجان (اریجان) به‌عنوان شهرهای ماسبذان نام می‌برد (ابن خردادبه، ۲۰ و ۲۴۳-۲۴۴).

از وضعیت ایالت ماسبذان و شهر سیروان در دوران باستان اطلاعات چندانی در دست نیست. در برخی پژوهش‌ها (رحمتی، ۱۴) بر پایه نزدیکی جغرافیایی و مشابهت‌های لغوی، سیروان را با شهر شیلوان در کتیبه پوزوراینشوشیناک^۱ که از قرن ۲۲ ق.م بر جای مانده است، منطبق دانسته‌اند. در گزارش مسعودی در مروج‌الذهب (ج ۲/ ۲۴۳)، از آتشکده‌ای در اطراف این شهر سخن به میان آمده است و اینکه در آن جا بت‌هایی نیز نگهداری می‌شد و خسروانوشیروان (حک: ۵۳۱-۵۷۹م) همه آنها را نابود کرد. این مطلب، نشانه‌ای از حیات این شهر در دوره ساسانی است و با مطالعاتی که در بخش دوم این پژوهش و براساس شواهد باستان‌شناسی و میدانی انجام گرفته است، این فرضیه تأیید می‌شود.

مرکزیت شهر سیروان در دوره پس از اسلام نیز تا حدود نیمه قرن پنجم ق / یازدهم م به‌عنوان کرسی ایالت ماسبذان حفظ شده بود. در متون مربوط به سده سوم تا نیمه سده پنجم ق از آبادانی این شهر در این زمان، وضعیت خوش آب‌وهوا، فراوانی میوه‌های مختلف و املاح معدنی آن توضیحات کمابیش روشنی آمده است (یعقوبی، البلدان، ۳۱۹؛ استخری، ۱۹۷ و ۲۰۰؛ ابن‌حوقل، ۳۶۸-۳۶۹؛ حدودالعالم...، ۱۴۱؛ مقدسی، ۳۵۷-۳۵۸؛ حموی، البلدان، ج ۳/ ۳۹۳). از برخی موارد، مانند میزان هنگفت مالیات اخذ شده از این ولایت که نشان از آبادی و ثروت آنجا دارد، می‌توان به نقش پر اهمیت آن در این قرون پی برد.^۲ بعد از این قرن، بیشتر گزارش‌های موجود، در اساس برگرفته از منابع پیشین است و کمتر اطلاعات جدیدی به دست می‌دهند.

در هیچ یک از منابع تاریخی بعد از سده پنجم ق از سیروان به‌عنوان شهری زنده و آباد سخنی به میان نیامده و چنین به نظر می‌رسد که از این تاریخ به‌بعد سیروان متروک بوده است. شواهد باستان‌شناختی شامل یافته‌های سفالی نمونه‌برداری شده از سطح شهر نیز، این نظر را تأیید می‌کند (پیرانی، ۱۵؛ یوسفوند، بررسی باستان‌شناسی...، ۱۰۳). تقریباً مقارن این تاریخ، سایر شهرهای ایالت‌های ماسبذان و مهرجان‌قذق چون سیروان و سیمره متروک شدند (یوسفوند، همان، ۱۶۰). بنابر گزارش‌های مختلف، این مناطق زلزله خیز بوده است (مقدسی، أحسن‌التقاسیم، ۳۸۴؛ مسعودی، التنبیه...، ۴۴؛ ابن‌اثیر، ج ۶/ ۴۳۱؛ مقدسی، همان، ۳۵۸) و چنین به نظر می‌رسد که در نیمه قرن چهارم ق

1. Puzur (Kutik) Inshushinak

۲. ابن‌خردادبه، میزان مالیات ایالت مهرجان‌قذق و ماسبذان را سه میلیون و پانصد هزار درهم ذکر کرده

است (ابن‌خردادبه، ۴۱).

این شهر دچار زلزله ای مهیب شد. با توجه به متون تاریخی، وقوع زلزله در شهرهای سیروان و سیمره را در محدوده سال‌های ۲۵۸-۳۳۴ ق می‌توان پذیرفت، گرچه شواهد باستان‌شناسی تاکنون آن را تأیید نکرده است. می‌توان احتمال داد که شدت زلزله در حدی نبود که در متون تاریخی آمده است. افزون بر اینکه، زلزله به‌تنهایی نمی‌توانست شهرهای منطقه از جمله سیروان را متروکه کرده باشد؛ به ویژه که پس از این زلزله، شهر جدیدی در این منطقه و در این دوره تاریخی بر خرابه‌های قدیمی یا در کنار آن احداث نشده است تا جایگزین شهر قدیمی شود. همچنین وجود سکه‌های ضرب شهر سیروان مربوط به سال‌های حکومت بدر بن حسنویه، حاکی از رونق و آبادانی شهر حتی پس از زلزله است (نک: تصویر ۲). نکته دیگر اینکه هم‌زمان با شهر سیروان، دیگر شهرهای پروتو قلمرو آل حسنویه، مانند سیمره، آدیوجان و شاپورخواست از رونق افتادند. از سوی دیگر، باید به فاصله قابل توجه این شهرها از یکدیگر نیز توجه کرد و بنابر این، مشکل بتوان پذیرفت که همه آنها در اثر زلزله متروکه شده باشند.

با توجه به هم‌زمانی نسبی افول این شهرها با انقراض حکومت آل حسنویه، به‌نظر می‌رسد که باید در جست و جوی عوامل مهم‌تری غیر از زلزله و عوامل طبیعی بود. بدون شک رونق شهرهای ولایت ماسبدان در کنار استعدادهای زیست‌محیطی و موقعیت مناسب ارتباطی آنها، تا حد چشمگیری متأثر از حضور مقتدرانه آل حسنویه در منطقه و کوشش‌های امرای این سلسله محلی برای عمران و آبادانی منطقه به ویژه در زمینه راه‌های ارتباطی و مسائل مرتبط با آن بوده است. این سلسله در اواخر سده چهارم ق، سراسر غرب ایران، از جمله استان‌های امروزی لرستان، همدان، کرمانشاه، کردستان، ایلام و شمال خوزستان را در دست داشته‌اند. در مآخذ تاریخی موجود، به کوشش‌های حاکمان این سلسله محلی، برای عمران و آبادانی منطقه به ویژه در زمینه ساخت و گسترش راه‌های ارتباطی اشاره شده است: به نوشته رودراوری، بدر بن حسنویه در کوهستان‌های بلند جاده می‌ساخت و به این وسیله راه‌های دور را نزدیک می‌کرد (رودراوری، ۲۹۰). شواهد باستان‌شناسی نیز این موضوع را تأیید می‌کند، از جمله می‌توان به پل‌های ساخته شده بر روی رودخانه‌های منطقه اشاره کرد که کتیبه‌هایی از دوره بدر بن حسنویه دارند.^۱ منطقه تحت نفوذ آل حسنویه به سبب نزدیکی به بغداد،

۱. از جمله این پل‌ها پل کشکان را می‌توان ذکر کرد که کتیبه آن به این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم. ما امر بیناته الامیر الأجل ابو النجم بدر بن حسنویه بن الحسين اطال الله بقائه سته تسع و ثمنین و ثلثمائه و فرغ منه سته تسع و تسعین و ثلثمائه عشر سنین انا به الله عنه» (ایزدپناه، ج ۱ / ۲۵۷-)

میان خلافت و آل بویه حالتی حائل داشت و این امتیاز بر اهمیت آن می‌افزود. امرای آل - حسنویه با درک درست از شرایط سیاسی زمانه و با توجه به موقعیت ویژه منطقه تحت نفوذ، زمینه رونق هرچه بیشتر شهرهای آن را فراهم کردند.

از اوایل سده پنجم ق و در پی کاهش نفوذ و سپس زوال قدرت آل حسنویه بر اثر اختلافات داخلی و سپس شکست از آل بویه، قلمرو آنها به شاپورخواست (خرم‌آباد) و قلعه سرماج (در شهرستان هرسین استان کرمانشاه) محدود شد؛ بخش غربی قلمرو آنها به تصرف کردان بنی‌غناز^۱ درآمد که در تحولات سیاسی منطقه نقش داشتند و گرچه در این زمان چندین بار از محاصره کلات سیروان نام برده شده است (مینورسکی^۲، ۵۱۲-). از آن به‌عنوان شهری آباد و پر رونق نشانی در منابع نیست. در واقع، با انقراض آل حسنویه ساخت و بازسازی راه‌های ارتباطی متوقف شد و پس از آل حسنویه، برای عمران و آبادانی منطقه فعالیت چندانی صورت نگرفت. پس از آن و در پی یورش مغولان، محیط‌های شهری منطقه اهمیت گذشته خود را به کلی از دست دادند و زندگی در قلعه‌ها و کوچ‌نشینی جایگزین زندگی در شهرها گردید. با استقرار حکومت ایلخانی در ایران و با انتقال مراکز حکومتی از غرب به مناطق مرکزی ایران، مسیرهای ارتباطی و بازرگانی که از عوامل اصلی رونق شهر سیروان به‌شمار می‌رفت، جابه‌جا شدند و این عامل بیش از پیش از رونق ایالت ماسبدان و شهرهای آن کاست. بنابراین، در باب عوامل مؤثر در اضمحلال شهر سیروان در کنار عامل زلزله باید به نقش تحولات تاریخی و کاهش رونق راه‌های ارتباطی، که شریان‌های اقتصادی سیروان بوده‌اند، نیز توجه کرد.

شواهد باستان‌شناختی شهر سیروان

در باره موقعیت مکانی شهر سیروان در مقایسه با دیگر شهرهای ایالت ماسبدان، اختلاف نظر کمتر است. اولین بار راولینسون، محوطه باستانی واقع در روستای سرابگلان در شهرستان شیروان استان ایلام را به‌عنوان موقعیت شهر تاریخی سیروان معرفی کرد (راولینسون، ۶۲) و در بیشتر پژوهش‌ها، از جمله این پژوهش، نظر او پذیرفته شده است. در کنار این نظر، برخی پژوهشگران، مناطق دیگری را به‌عنوان موقعیت احتمالی شهر

(۲۶۰).

۱. کردان بنی‌غناز بر پایه کردهای شاذنجان شکل گرفته بودند که مرکز حکومت آنها شهر خلوان بود

(مینورسکی، ۵۱۲-۵۱۳).

سیروان پیشنهاد کرده‌اند: عبدالله قوچانی، سومار در مرز عراق را موقعیت احتمالی شهر سیروان دانسته است (قوچانی، ۱۲۰). این نظر با توجه به ویژگی‌های مربوط به شهر سیروان و موقعیت آن، در متون تاریخی محل تردید است. در میان منابع جغرافیای تاریخی در این زمینه، که می‌تواند در مکان‌یابی دقیق شهر سیروان از آن بهره برد، کتاب تقویم البلدان ابوالفداء است (ابوالفداء، ۴۱۴). وی طول و عرض جغرافیایی شهر سیروان را با مختصات طول ۳۷ درجه و عرض ۳۳ درجه و ۳۰ دقیقه ذکر کرده و همه ایالت‌های جبال و مخصوصاً ماسیدان را در اقلیم چهارم از آن نام برده است. هیچ یک از جغرافی‌نگاران دوره اسلامی چنین اطلاعاتی از جنبه جغرافیای ریاضی از این ناحیه به دست نمی‌دهند. طول جغرافیایی مذکور در کتاب ابوالفداء با شهر امروزی شیروان در ۲۰ کیلومتری سرابکلان مطابقت دارد و عرض جغرافیایی شهر سیروان هم دقیقاً منطبق بر روستای سرابکلان است. بنابراین و با استناد به این گزارش، منطقه‌ای که باید در آن در پی شهر سیروان بود، همین شهرستان شیروان استان ایلام است. موقعیت امروزی شهر باستانی سیروان را باید در روستای سراوبگلان در نزدیکی شهر لومار (مرکز شهرستان شیروان) در استان ایلام جست‌وجو کرد.

شیروان با مساحتی در حدود ۲۲۳۶ کیلومتر مربع، ۱۱/۰۹ درصد مساحت استان را شامل می‌شود و در موقعیت جغرافیایی ۴۶ درجه و ۱۷ دقیقه طول و ۳۳ درجه و ۴۹ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد. این اطلاعات با محاسبه ابوالفداء هماهنگ است. در این منطقه، مهم‌ترین محوطه‌ای که بتوان آن را شهر نامید همان محوطه باستانی در زیر روستای سرابکلان است. این محوطه در حال حاضر محتمل‌ترین گزینه برای موقعیت شهر سیروان است. از جمله ادله ما، وسعت چشمگیر محوطه، وجود آثار فراوان معماری از دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی، فراوانی قطعات سفال از دوره ساسانی و سده‌های نخست پس از اسلام و وجود سازه‌هایی موسوم به قلعه حکومتی در مرکز روستاست که در بین اهالی به قصر انوشیروانی معروف است. در سراسر شهرستان شیروان محوطه بزرگ شهری که بتوان آن را با شهر باستانی سیروان مطابقت داد، شناسایی نشده است. مقایسه همه این موارد با روایات منابع تاریخی و جغرافیایی در باب موقعیت شهر سیروان در غرب ایران تا حدود اطمینان‌بخشی نشان می‌دهد که این مکان همان شهر تاریخی سیروان است.

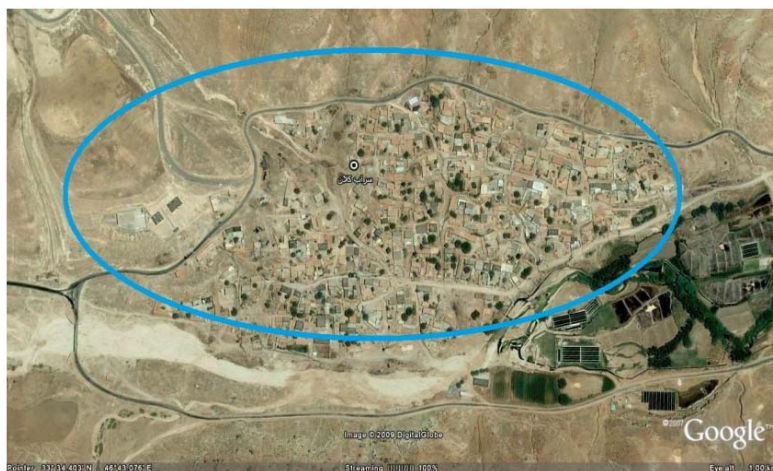
روستای سرابکلان از توابع بخش لومار شهرستان چرداول^۱ دارای مختصات جغرافیایی ۴۶ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۳۴ دقیقه عرض شمالی و در ۱۲ کیلومتری شهر لومار واقع شده است. در بررسی‌های نگارندگان در سال ۱۳۸۸ ش، مشخص شد که قسمت عمده شهر تاریخی، زیر خانه‌های مسکونی اهالی روستا ست (تصویر ۵). شواهد معماری موجود حاکی است که در این محوطه، اصول شهرسازی دوره ساسانی رعایت شده است: بهره‌گیری از امکانات طبیعی برای تأمین اهداف تدافعی، استفاده از مصالح سنگ و گچ در ساخت بناها، طاق‌های مازهدار در پوشش سقف‌ها، از ویژگی‌های معماری شهر سیروان است و با اصول معماری و شهرسازی دوره ساسانی هماهنگ است. در شهر سیروان از موانع طبیعی برای تأمین اهداف تدافعی استفاده شده است، به گونه‌ای که اطراف شهر را تپه‌های بلند با شیب تند فرا گرفته و تنها در سمت شرقی آن موانع طبیعی وجود ندارد، زیرا احتمالاً در این سمت، دیوار بلند و محکمی وجود داشته است (تصویر ۳ و ۴). در این شهر دره باریکی قرار دارد که بیشترین طول آن به هزار و شصت متر می‌رسد. منبع آب مورد نیاز ساکن (برای کشاورزی و هم چنین آب-شرب) چشمه پر آب سرابکلان است. این چشمه در جنوب غرب محوطه جریان دارد و پس از آبیاری بخش وسیعی از زمین‌های پایین دست به رودخانه سیمه می‌ریزد. موقعیت شهر در دامنه تپه‌های پیرامون شهر به گونه‌ای است که شهر در شیب یکی از این تپه‌ها شکل گرفته و از چند طرف در مسیر سیلاب‌های فصلی قرار داشته است. این عامل موجب تخریب بسیاری از بناهای در مسیر آن شده است (تصویر ۱۰). برخی از متون تاریخی و جغرافیایی، معماری شهر سیروان را به طور عمده از گچ و سنگ گزارش کرده‌اند.^۲ در بررسی نگارندگان از خرابه‌های باستانی محوطه سرابکلان مشخص شد که مصالح به کار رفته در ساخت ساختمان‌های شهر، سنگ لاشه و ملاط گچ است.

۱. تا قبل از سال ۱۳۶۰ ش شهرستان شیروان و چرداول در تقسیمات کشوری بخشی از ایلام بودند، اما از سال ۱۳۶۰ به بعد از شهر ایلام جدا شدند. در مهر ماه سال ۱۳۹۱ ش، تصویب نامه هیئت وزیران، شهرستان شیروان و چرداول را به دو شهرستان شیروان و چرداول تبدیل کرد؛ اولی به مرکزیت سرابله و دومی به مرکزیت لومار. هم‌چنین در تیر ماه سال ۱۳۹۲ با مصوبه هیأت دولت، شیروان چرداول رسماً، به نام چرداول تغییر نام یافت.

۲. ابن حوقل، ۳۶۸-۳۶۹. استخری نیز معماری شهرهای صیمه و شیروان را با شهرهایی چون موصل و تکریت مقایسه کرده است و اینکه این شهرها نیز با سنگ و گچ ساخته شده‌اند (استخری، ۲۰۰).



تصویر ۳. نقشه خرابه‌های شهر تاریخی سیروان (De Morgan, 233)



تصویر ۴. تصویر ماهواره‌ای روستای سراکلان و شهر تاریخی سیروان

به سبب محدودیت فضا در ساخت، اکثر ساختمان‌ها و بناهای شهر به صورت پلکانی و نیمه زیرزمینی، ساخته شده است. این شیوه امروزه نیز در بسیاری از مناطق کوهستانی ایران به خصوص مناطق غرب و شمال غرب ایران دیده می‌شود. ساختمان‌های این شهر، بسیار پرتراکم و به هم فشرده است. تمام بناهای شهر با مصالح سنگ و ملات گچ ساخته شده است و این موضوع را در برخی متون تاریخی می‌توان ملاحظه کرد. سنگ به صورت فراوان در دسترس بوده است و گچ را نیز از کوه‌های اطراف تهیه می‌کرده‌اند. تمام سقف-

ها با طاق هلالی و شیوه معمول دوره ساسانی اجرا شده است: استفاده از عنصر کانه‌پوشی برای سبک‌سازی سقف بناها (تصویر ۶). واحدهای ساختمانی به هم چسبیده‌اند (تصویر ۷) و کوشش شده است تا از فضاهای موجود به نحو حد اکثر استفاده شود. برخی بناها دو طبقه است و احتمالاً از طبقات زیرزمین برای احشام و انبار علوفه استفاده می‌کرده‌اند و طبقات بالا، محل زندگی ساکنان بوده است. فشردگی بناهای این شهر، گذشته از محدودیت فضا، احتمالاً حاکی از جمعیت قابل توجه شهر در دوره ساسانی بوده است. بیشتر ساختمان‌های دو طبقه، از طریق چند پله با طبقه پایین مرتبط می‌شده است. راولینسون که ۱۵۰ سال پیش، وقتی هنوز شهر کهن زیر ساختمان‌های جدید مدفون نشده بود، خرابه‌ها را دیده بود، در سفرنامه خود نوشته است:

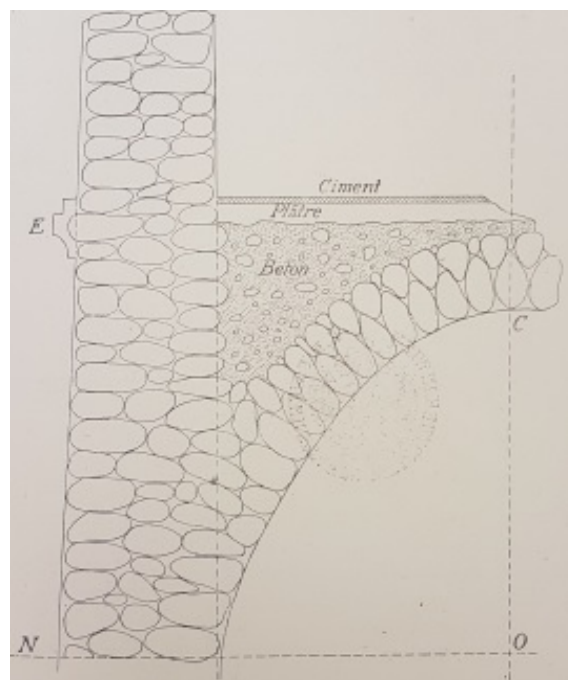
تمام منازل زیرزمینی دارند که آن هم شامل اتاق‌های هلالی شکل است و بناهای فوقانی دارای یک راهرو هلالی هستند که به تمام اتاق‌ها منتهی می‌شود (راولینسون، ۵۹).

اتاق‌های خانه‌های مسکونی را به صورت مستطیلی و در کنار هم می‌ساخته‌اند و این شیوه به آنها امکان می‌داده است طاق‌های هلالی به کار برند. اتاق‌های خانه‌های مسکونی با سقف‌هایی با طاق تونلی که امروزه در زیر حیاط خانه‌های مسکونی دهکده سرابکلان قرار گرفته‌اند، در شرایط آب و هوایی منطقه در زمستان، جای مناسبی برای نگهداری چهارپایان و علوفه در روستای سرابکلان شده است. در مرکز روستا، بر فراز تل بزرگی بقایایی از اتاق‌های مربع شکل طبقات بالای ساختمانی مشخص است (نک: تصویر ۸). طبقات پایین این بنا که اینک انبار علوفه و گاه است، هنوز سالم و پا برجاست. این مجموعه که در حدود ۱۰ در ۱۵ متر آن باقی مانده است، به صورت فضایی با طاق قوسی و مصالح سنگ و ملات گچ در میان روستا دیده می‌شود. عرض دیوارهای این ساختمان به ۱۲۰ سانتی‌متر می‌رسد و طاق قوسی اتاق‌های این ساختمان از ارتفاع ۱/۵ متر آغاز می‌شود. در این بخش از شهر، برخی اتاق‌ها از چهار طرف در خروجی دارند. در حال حاضر تحلیل فضایی و بحث در باب کاربری دقیق این فضاها دشوار است، اما با توجه به بزرگی و هم‌چنین موقعیت مرکزی آن در میان خرابه‌های شهر، می‌توان گفت که این بنا ساختمانی ساده و معمولی نبوده و احتمالاً ارتباطی با حاکم شهر داشته است. امروزه بر اثر تخریب شدید بناها در حفاری‌های غیرمجاز، فضای داخلی اتاق‌ها پر از

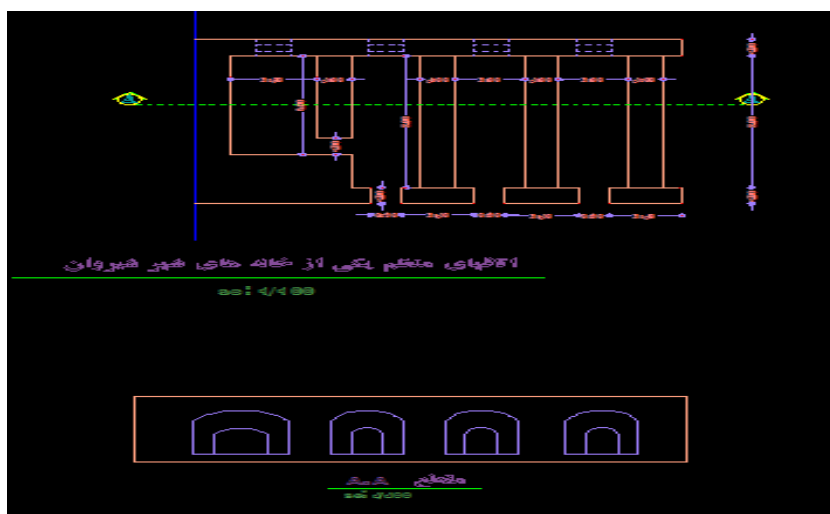
سنگ و کلوخ شده است.



تصویر ۵. خانه‌های ساکنین روستای سرابکلان که بر روی شهر سیروان و با استفاده از مصالح شهر قدیمی ساخته شده است



تصویر ۶. طرحی از پوشش طاق‌های بناهای شهر سیروان. مأخذ: دمورگان. ۱۳۲۹: ۲۲۰



تصویر ۷. پلان اتاق‌های کم‌عرض یکی از خانه‌های سیروان (نگارندگان)



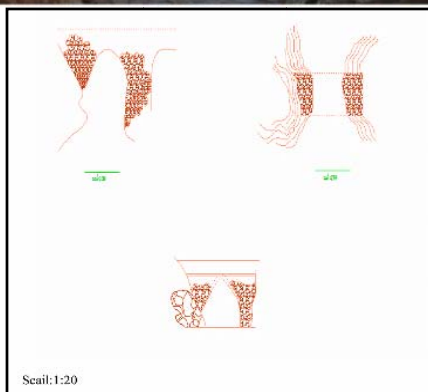
تصویر ۸. منظره عمومی برجستگی اصلی در میان روستای سراب‌کلان (سیروان) که به قلعه انوشیروان معروف است

در فاصله تقریباً ۱۵۰ متری این مجموعه، واحد ساختمانی دیگری زیر یکی از خانه‌های ساکنان جدید روستا باقی مانده است. این واحد به صورت ۳ اتاق منظم در کنار هم به ابعاد ۸ متر در ۲ متر با مصالح سنگ‌لاشه و ملاط گچ ساخته شده است (تصویر ۷) و

این اتاق‌ها نیز طاق هلالی دارند.

از دیگر شواهد معماری موجود، پل یا پل‌بند شیروان است در شمال غربی خرابه‌های شهر و در راهی که از سمت شمال وارد شهر می‌شود. پل بدون زیرسازی مناسب و بر صخره‌های طبیعی ساخته شده و این بستر صخره‌ای مانع نشسته شدن بستر مسیر رودخانه در زیر پل بوده (تصویر ۹) و نقش مهمی در سرعت جریان آب و سیل در این منطقه داشته است. صخره‌های طبیعی، موجب استحکام و جلوگیری از رانش آن می‌شده است. در دو طرف پل‌بند، از سنگ‌های متراکم و فشرده جز چند رج بیشتر باقی‌مانده است. پل از لاشه سنگ‌هایی به ابعاد بزرگ و کوچک که برخی از آنها تراش خورده‌اند، ساخته شده است. جهت پل غربی - شرقی است و این احتمالاً آغاز راهی بوده است که از شیروان به سمت غرب می‌رفته و وارد منطقه غربی زاگرس می‌شده است. مشخص است که در احداث پل ملات ساروچ به نحو قابل توجهی به کار رفته است. هم‌چنین بخش داخلی پایه‌های پل از سنگ‌های کوچک و بزرگ با روش غوطه‌ور در ملات ساخته شده است. این پل در مسیر آبکند فصلی قرار دارد که از کوه‌های واقع در شمال شهر سرازیر می‌شده است. پل دهانه‌ای داشته که با طاق جناغی یا نیم بیضی اجرا شده است. بخش میانی طاق دهانه این پل امروزه فروریخته است.

پل‌های دوره ساسانی مانند پل والرین در شوشتر در استان خوزستان، ویژگی‌هایی چون سد داشته‌اند (کلایس و کالمایر^۱، ۱۹) و این هدف با مسدود کردن دهانه‌های پل محقق می‌شده است. پل شیروان نیز می‌توانسته همچون سدی کوچک برای مهار سیلاب‌ها و هدایت آنها به مسیری در خارج از شهر بوده باشد. در داخل شهر در مسیر آبکند، ساختمان‌هایی دیده می‌شود که امروزه بر اثر تخریب پل، سیلاب بخشی از آنها را تخریب کرده است (تصویر ۱۰) و این موضوع، فرضیه ما را در باب استفاده از پل همچون سد تأیید می‌کند.



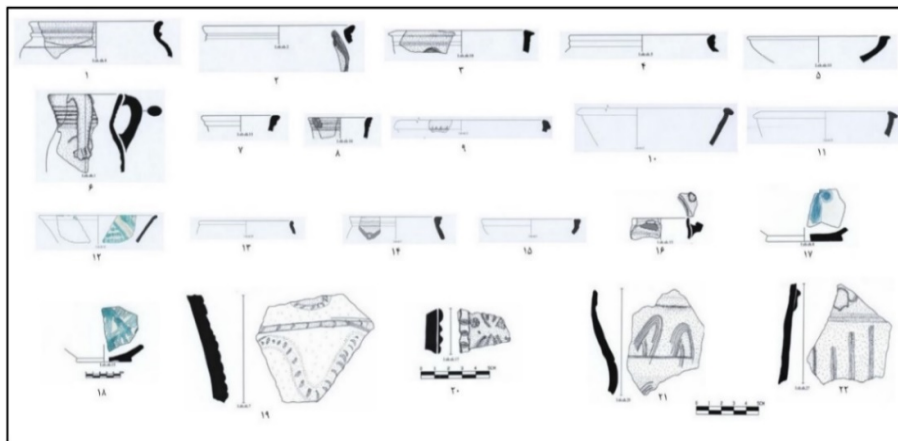
تصویر ۹. تصویر و پلان پل‌بند شهر سیروان



تصویر ۱۰. نقش عوامل طبیعی در تخریب شهر سیروان

علاوه بر شواهد معماری، یافته‌های سفالی بخش دیگری از شواهد باستان‌شناختی این محوطه است و حاکی از حیات و رونق شهر در اواخر دوره ساسانی تا سده‌های نخست اسلامی (نک: تصویر ۱۱ و جدول ۱). در جاهای گوناگون شهر، انواع سفال‌های لعاب‌دار و بی لعاب پراکنده است. در بررسی نگارندگان، نمونه‌هایی از دو گونه سفال به صورت تصادفی جمع‌آوری شد: سفال‌های بی لعاب ساده، نقش‌کند، افزوده و داغدار و لعاب‌دار. بیشتر سفال‌های بی لعاب، خمیره نخودی و نارنجی دارند. اکثر سفال‌های لعاب‌دار دارای خمیره نخودی و شمار بسیار اندکی نیز دارای خمیره سرخ مایل به نارنجی اند. برای تزیینات از رنگ‌های سبز، آبی و زرد استفاده شده است و در تزیینات نقاشی، دو روش نقاشی زیر لعاب و لعاب پاشیده به کار رفته است. گونه‌های لعاب‌دار مربوط به سده‌های نخست پس از اسلام تا قرن چهارم ق است. این زمان مقارن اوج اقتدار حکومت آل حسنویه در غرب ایران است که شهر سیروان یکی از شهرهای مهم قلمرو آنها بود. سفال‌های به دست آمده از شهر سیروان از نظر مشخصات فنی و شکل ظروف با نمونه‌های به دست آمده از محوطه‌هایی مانند قلعه یزدگرد (Keall, 1981)، کوش (Kennet, 1997)، بردسیر (خسروزاده، ۱۳۸۴)، تل ملیان (Alden, 1978)، گرگان (مرتضایی، ۱۳۸۶)، بیستون (کلایس، ۱۳۸۵)، دره شهر (لک‌پور، پژوهش‌ها...، ۱۳۸۹) و برزقواله (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳) قابل مقایسه‌اند.

سکه‌های موجود از زمان حکومت بدر بن حسنویه ضرب شهر سیروان، حاکی از کرسی حکومتی و ضرابخانه در این شهر است (نک: تصویر ۲).



تصویر ۱۱. گزیده‌ای از سفال‌های شهر سیروان (یوسف‌وند، ۱۳۸۹)

شماره قطعه	مشخصات فنی (نوع قطعه، رنگ خمیره، رنگ پوشش درون و بیرون، روش ساخت، آمیزه، تزیین)	دوره	منبع مقایسه
۱	لبه، نخودی، چرخ‌ساز، ماسه‌بادی نرم، شیار افقی بر لبه و شانه ظرف	ساسانی	خسروزاده، ۱۳۸۴: طرح ۵
۲	لبه، قرمز نارنجی، نخودی، چرخ‌ساز شن نرم، نقوش شانه‌ای موج در بیرون	ساسانی	Kennet, 1997, fig2 type 64
۳	لبه، قرمز نارنجی، قرمز نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، نقش شانه	ساسانی	
۴	لبه، قرمز نارنجی، نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، شیار در بیرون	ساسانی - صدر اسلام	Alden 1978: fig5; type keall1981: fig 12; type 17
۵	لبه، قرمز نارنجی، نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم	اوایل اسلام	خسروزاده، ۱۳۸۴: طرح ۵ کلایس، ۱۳۸۵: شکل ۱۵ کلایس، ۱۳۹۵: ص ۱۹۶: شکل ۱۰
۶	لبه، قرمز نارنجی، نخودی، چرخ‌ساز شن نرم، نقوش شانه‌ای موج در بیرون	ساسانی	Kennet, 1997, fig2 type 64
۷	لبه، نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، شیار افقی در بیرون	ساسانی	Kennet, 1997: fig3 alden, 1978: fig5: type 15
۸	لبه، نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، شیارهای افقی	ساسانی	Kennet, 1997, fig3
۹	لبه، قرمز نارنجی، نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، نقوش فشاری	ساسانی	Kervran, 1991, fig. 6; 17 خسروزاده، ۱۳۸۴: طرح ۵
۱۰	بدنه، قرمز نارنجی، قرمز نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، شانه‌ای	ساسانی	Keall, 1981, fig21: types: 1-30
۱۱	لبه، نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، شیار افقی در بیرون	ساسانی	Kennet, 1997: fig3 alden, 1978: fig5: type 15
۱۲	لبه، قرمز نارنجی، نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، نقوش فشاری	ساسانی	Kervran, 1991, fig. 6; 17 خسروزاده، ۱۳۸۴: طرح ۵
۱۳	لبه، نخودی، نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن نرم، نقش افزوده	ساسانی	Keall, 1981, fig27: type 13
۱۴	کف، نخودی، نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، نقاشی زیر لعاب سبز،	قرون سوم و چهارم هجری	مرتضایی، ۱۳۸۶: تصویر ۳- ۹۴: نمونه ۲۴
۱۵	کف، نارنجی، نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، نقاشی زیر لعاب	سده سوم و چهارم هجری	-----
۱۶	لبه، نخودی، نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، شیارهای افقی	ساسانی	Kennet, 1997, fig3
۱۷	بدنه، نخودی تیره، نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، نقش استامپی در بیرون	ساسانی - اسلامی	Keall, 1981, fig22: types 1-16
۱۸	لبه، قرمز نارنجی، قرمز نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، نقش	ساسانی	

شماره قطعه	مشخصات فنی (نوع قطعه، رنگ خمیره، رنگ پوشش درون و بیرون، روش ساخت، آمیزه، تزیین)	دوره	منبع مقایسه
	شانه		
۱۹	لبه، قرمز نارنجی، نارنجی، چرخ ساز، ترکیب شن و کاه،	ساسانی؟	Alden, 1978, fig5: type13-15
۲۰	لبه، نخودی، خاکستری، چرخ ساز، شن نرم،	ساسانی	Alden, 1978, fig5: type13-15
۲۱	بدنه، خاکستری، خاکستری، چرخ ساز، ترکیبی (کانی و کاه)	ساسانی	Alden, 1978, fig5: type4
۲۲	بدنه، نخودی، نخودی، چرخ ساز، شن نرم، نقش کنده	اسلامی	
۲۳	بدنه، قرمز نارنجی، قرمز نارنجی، چرخ ساز، شن نرم، شانه ای،	ساسانی	Keall, 1981, fig21: types: 1-30

جدول ۱. مشخصات فنی سفال‌های شهر سیروان

نتیجه

سیروان مرکز ولایت ماسبدان و مهم‌ترین شهر این ولایت در دوره ساسانی و قرون نخستین اسلامی بوده است. با بررسی منابع تاریخی و نقشه‌های ترسیمی جغرافی‌نویسان سده‌های نخست پس از اسلام و انطباق اطلاعات آنها با محدوده امروزی شهرستان شیروان، موقعیت مکانی شهر سیروان (شیروان) با محوطه باستانی واقع در روستای سرابکلان امروزی منطبق است. این شهر امکانات زیست‌محیطی مناسبی چون پوشش جنگلی، زمین‌های کشاورزی و منابع آبی فراوان (به‌صورت رودخانه و چشمه) داشت و از موقعیت ارتباطی چشمگیری به ویژه در میان راه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار بود. هم‌چنین، امکانات طبیعی دفاعی، در اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخست پس از اسلام بر رفاه و رونق آن می‌افزود. با یورش اعراب، دوره جدیدی در تاریخ شهر آغاز شد و در دوره پس از اسلام و در پی اقدامات عمرانی و سیاست‌های اقتصادی امرای آل حسنویه رونق و آبادانی شهر به اوج رسید، اما در میانه‌های قرن پنجم ق، سیروان رو به زوال رفت و متروک شد. در دوران معاصر، چادرنشینان به مرور در اطراف خرابه‌های باستانی ساخت‌وساز را آغاز کردند و آرام آرام بناهای شهر کهن سیروان زیر ساخت و سازهای جدید مدفون شد. آثار ظاهری و معماری کهن این شهر جز چند مورد قابل مشاهده، زیر ساختمان‌های جدید اهالی روستای سرابکلان مدفون شده است. از جمله ویژگی‌های معماری شهر سیروان ساخت بناها به صورت دو طبقه و پلکانی است که در متون تاریخی نیز به آن اشاره شده است. در بین مجموعه سفال‌های به دست آمده از این محوطه، انواع سفال‌های لعاب‌دار، سفال بی لعاب با نقوش افزوده و کنده و سفال نقش‌کننده زیر لعاب، حاکی از رونق این شهر از اواخر دوره ساسانی تا سده‌های پس از اسلام است. در متون

تاریخی، زلزله را سبب زوال شهر شمرده‌اند، با این همه، سکه‌هایی ضرب شهر سیروان مربوط به سال‌های پس از زلزله و از دوره بدر بن حسنویه در دست است. بنابر این، سیروان حتی پس از زلزله‌ای که عامل انقراض آن فرض شده نیز، رونق داشته است و نمی‌توان تنها زلزله را عامل اصلی زوال شهر دانست؛ به ویژه که کمابیش هم زمان با سیروان، دیگر شهرهای قلمرو آل حسنویه چون صیمره، شاپورخواست و آدیوجانرو به زوال رفتند و این موضوع نشان می‌دهد که باید در جست و جوی عاملی مشترک در این زمینه بود. بنابر نتایج این پژوهش، زوال این شهر با سقوط حکومت آل حسنویه در سده پنجم ق و کاهش رونق راه‌ها در ارتباط بوده است: افول حکومت آل حسنویه و انتقال مراکز حکومتی و جا به جایی در مسیرهای ارتباطی، از رونق راه‌های ارتباطی که شریان‌های اقتصادی شهرهای منطقه بودند، کاست و به مرور شهرهای منطقه اهمیت گذشته خود را از دست دادند و بدین ترتیب، شهر سیروان نیز مانند دیگر شهرهای منطقه متروک شد و از قرن پنجم ق، در منابع موجود، اطلاع جدیدی درباره آن نیامده است.

منابع

- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد، البلدان، بیروت: بریل، ۱۳۰۲ق/ ۱۸۸۵م.
- ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۵م.
- ابن حوقل، محمد، صوره الارض، لیدن: ۱۹۳۸م.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبدالله، المسالک و الممالک، بریل، ۱۸۸۹م.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، لیدن: ۱۸۹۱م.
- ابوالفداء، محمد بن عمر، تقویم البلدان، پاریس: ۱۸۴۰م.
- ابوعلی مسکویه، احمد بن محمد، تجارب الامم، مصر: شرکه التمدن الصناعیه، ۱۳۳۲-۱۳۳۷ق/ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۶م.
- اذکایی، پرویز، «آل حسنویه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۶۷ش.
- استارک، فریا، سفرنامه الموت و لرستان و ایلام، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۴۶ش.
- استخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و الممالک، لیدن: ۱۹۶۷م.
- استرانب، جغرافیای استرابو، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات محمد افشار، ۱۳۸۲ش.
- اکبری، مرتضی، «بررسی و تحلیل جایگاه ایالات ماسبذان و مهرجانقدق (ایلام) در دوره ی خلافت عباسی»، فرهنگ ایلام، ش ۴۶ و ۴۷، ۱۳۹۴ش.
- ایزدپناه، حمید، آثار باستانی و تاریخی لرستان، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰ش.

- بدلیسی، امیرشرف خان، شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)، به کوشش محمد عباسی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۴۳ ش.
- بلادری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، قاهره: ۱۹۵۶ م.
- پیرانی، بیان، پرونده ثبتی محوطه باستانی سراپکلان، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، ۱۳۸۲ ش.
- پیکلوسکایا، ن، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷ ش.
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، البلدان، به کوشش ووستنفلد، لایبزیگ: ۱۸۶۶-۱۸۷۰ م.
- همو، المشترك وضعاً و المفترق صقعا، به کوشش ووستنفلد، گوتینگن: ۱۸۴۶ م.
- خسروزاده، علیرضا، فصل دوم بررسی بردسیر در گزارش‌های باستان‌شناسی، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، ۱۳۸۴ ش.
- خورنی، موسی، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳ ش.
- دمشقی، نخبه‌الدهر و عجائب البر و البحر، لایبزیگ: ۱۹۲۳ م.
- راولینسون، هنری، سفرنامه راولینسون (گذر از ذهاب به خوزستان)، ترجمه سکندر امان‌اللهی، تهران: آگاه، ۱۳۳۵ ش.
- رحمتی، محسن، «جغرافیای تاریخی ماسبدان در دوره سلجوقی»، مجله فرهنگ ایلام، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۹۵ ش.
- الروذراوری، ظهیرالدین ابوشجاع، ذیل کتاب تجارب الامم، تصحیح ه. ف. آمدروز، بغداد: ۱۳۳۴ ق.
- ستوده، منوچهر، «دو کتیبه کوفی از بدر بن حسنویه»، مجله یغما، ش ۵، ۱۳۴۴ ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بریل: ۱۹۶۴ م.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت: ۱۳۸۰ ق/۱۹۶۰ م.
- قوچانی، عبدالله، «قلمرو ابونجم بدر بن حسنویه به استناد سکه‌ها»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هشتم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۳ ش.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، دره شهر در کتاب شهرهای ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۸ ش.
- کریمی، بهمن، راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران، ۱۳۲۹ ش.
- کلایس، ولفرام و کالمایر، پتر، بیستون (کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م)، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۵ ش.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۳۷ ش.
- لک‌پور، سیمین، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره شهر (سیمره)، تهران: نشر پازینه، ۱۳۸۹ ش.
- لک‌پور، سیمین، معرفی خانه اربابی در دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ج ۱، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.

- مارکوارت، یوزف، ایرانشهر در جغرافیای بطلمیوس، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: طهوری، ۱۳۶۸ ش.
- مجمعل التواریخ و القصص، به کوشش ملک‌الشعراى بهار، تهران: ۱۳۱۸ ش.
- محمدی‌فر، یعقوب و الناز طهماسبی، «طبقه‌بندی سفال ساسانی دره سیمره، موردی: قلعه سیرم‌شاه»، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، دوره چهارم، صص ۱۳۳-۱۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
- مرادی مقدم، مراد، «سرگذشت مقبره مهدی بالله در شهر ایلام»، مجله نامه تاریخ‌پژوهان، شماره ۲۵، ۱۳۹۰ ش.
- مرتضایی، محمد، مطالعه زیرساخت‌های طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری شهر گرگان (جرجان)، رساله دکتری به راهنمایی دکتر محمد یوسف کیانی، تهران: گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶ ش.
- مسعودی، ابوالحسن، التنبیه و الاشراف، قاهره: ۱۹۳۸ م-۱۳۵۷ ق.
- همو، مروج‌الذهب و معادن الجوهر، بیروت: ۱۹۷۳ م/۱۳۹۳ ق.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، بریل: ۱۹۰۶ م.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ ش.
- یعقوبی، البلدان، بریل: ۱۸۹۱ م.
- همو، تاریخ یعقوبی، ۳ ج، بیروت: ۱۹۵۵ م-۱۳۷۵ ق.
- یوسف‌وند، یونس، بررسی باستان‌شناسی شهرهای صدر اسلام در استان ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر سیدهاشم حسینی، اردبیل: گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، ۱۳۸۹ ش.
- همو، تحلیل سازمان فضایی آثار تاریخی مسیرهای اصلی ارتباطی استان لرستان با مناطق همجوار در دوران اسلامی بنابر دیدگاه باستان‌شناسی، رساله دکتری به راهنمایی دکتر جواد نیستانی، تهران: گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۸ ش.
- Azarnoush, M., "The Sassanian Manor, House at Hajia Bad", Iran, 1994.
- De Morgan, Jacques, *Mission Scientifique*, Perse_Cartes, 1895.
- De Morgan, J, *Mission Scientifique en Perse (Recherches Archeologiques)*, Paris: 1896.
- John R. Alden & Jack Martin Balcar, "Excavation at Tall Malyan", *British Anstitude of Persian Studies*, Iran: vol.16, 1978.
- Keall, E. J. & M. J. Keall, "The Qaleh Yazdigird Pottery a Statistical Approach", The British Institute of Persian Studies, IRAN, vol.XIX, London: 1981.
- Kennet, D., "Kush: a Sasanian and Islamic-Period Archaeological Tell in Ras al Khaimah (U.A.E.)", *Arabian Archaeology and Epigraphy*, 8, 1997.
- Kervran, M., "Les Niveaux Islamiques du Secteur Oriental de l'Apadana, II. - Le materiel Ceramique", *CDAFI*, 7, 1977.
- Minorsky, V, "ANNĀZIDS", the Encyclopaedia of Islam, New Edition, Londo: Brill, V I, 1960.